

## کاربرد زبان عامیانه یکی از خصایص سبکی منشآت قائم مقام فراهانی

بتول مهدوی<sup>۱\*</sup> شهلا خلیل‌اللهی<sup>۲</sup> سمیه شجاع تقی‌آباد<sup>۳</sup>

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۴/۲۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۹/۴)

### چکیده

قائم‌مقام فراهانی نویسنده بزرگ ادبیات کلاسیک و یکی از نقاط عطف تاریخ نثر فارسی است که نثرش سبب تحول در ادبیات مشروطه شده است. کار عمده وی رهاساختن نثر از پیچ و خم عبارت‌پردازی‌های رایج در عهد صفوی و تیموری، و پیرایش نهال انحراف از شیوه متداول نثر مصنوع و کم‌محتوای آن زمان بوده است. نثر این اثر از نظر شاخصه‌ها و شگردهای ساده‌نویسی عناصر زبان عامیانه بسیار ارزشمند است. نوشتار حاضر سبک منشآت قائم‌مقام فراهانی را از نظر به‌کارگیری عناصر زبان عامیانه در سطوح مختلف مفردات، تعبیرات، ترکیبات کنایی، مثل‌ها و اشعار بررسی می‌کند. این مقاله به روش توصیفی-تحلیلی انجام گرفته و در پایان نیز از حیث کمی بررسی شده است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که کاربرد مثل‌ها، اصطلاحات و کنایات مردمی به نثر قائم‌مقام و به‌خصوص به منشآت او وجهه‌ای پویا و زنده داده است. وی با تکیه بر ذوق و فضل خود

\* b.mahdavi@umz.ac.ir

۱. استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه مازندران (نویسنده مسئول)

۲. استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شاهد

۳. کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی

مسائل روز را با زبان و اصطلاحات رایج دوره و در بافتی آهنگین و ادبی به سبک گلستان ارائه کرده است.

**واژه‌های کلیدی:** سبک، زبان عامیانه، منشآت، قائم‌مقام فراهانی.

#### ۱. مقدمه

هرچند که نثر فارسی از زمان مغول به تدریج رو به انحطاط گذاشت؛ ولی در اوایل قرن نوزدهم، در نتیجه نفوذ عواملی، همگام با تحولات دیگر، تجدید حیات ادبی آغاز شد. نخستین اصلاحات در ادبیات منثور در نامه‌نگاری‌های دولتی صورت گرفت و مبتکر آن دو تن از بزرگ‌ترین نخست‌وزیران ایران، یعنی قائم‌مقام فراهانی و میرزا تقی‌خان امیرکبیر بودند. نوآوری‌های بعدی به کوشش دو چهره سیاسی و ادبی دیگر، میرزا ملکم خان و عبدالرحیم طالبوف انجام گرفت. از آن‌جا که قائم‌مقام فراهانی، مقام والایی در محافل سیاسی و ادبی داشت و نخستین کسی بود که انشای متکلف مکاتبات رسمی را پیراست، سبک او به سرعت سرمشق بیشتر معاصرانش شد (کامشاد، ۱۳۸۴: ۳۲-۳۳). وی ساده‌نویسی را در نامه‌های دولتی وارد کرد و در زمان وزارتش همه نامه‌های مهم سیاسی به قلم شخص وی انشا می‌شد، چنانکه به وی لقب «ابلق المترسلین» دادند (کشاوری، ۱۳۸۴: ۱۲۲۷/۳). قائم‌مقام از نویسندگان تأثیرگذاری است که مانع ادامه نثر مغلق و پیچیده شد و با نثر ساده و آهنگین خود، راهی تازه به نثر فارسی گشود و به تعبیری «قدرتمندترین نویسنده این دوره که در نثر اداری و سیاسی تحولی ایجاد می‌کند، قائم‌مقام فراهانی است». نثر او با طنزی خاص پیش‌درآمد نثر مشروطه شده است (بولتن، ۲۲۸، به نقل از واثق عباسی و مشهدی، ۱۳۸۸: ۱۹۴).

منشآت قائم‌مقام یکی از منابع پژوهش در تاریخ فرهنگ و تفکر سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ایران در عهد قاجار به‌شمار می‌آید. این اثر برجسته، صرف‌نظر از آنکه در زمره متون و اسناد تاریخی است (براون، ۱۳۷۵: ۴/۲۷۵)، همچون تاریخ بیتهمی از منابع

کاربرد زبان عامیانه یکی از خصایص سبکی منشآت قائم مقام فراهانی \_\_\_\_\_ بتول مهدوی و همکاران

موردنیاز پژوهش‌های ادبی نیز شمرده می‌شود و الفاظ آن به تعبیر خانلری «زائد بر معانی به نظر می‌رسد؛ زیرا که رهایی کامل از قیود آداب معمول به آن سرعت امکان نداشته است» (کامشاد، ۱۳۸۴: ۳۳).

هدف این نوشتار تبیین بخشی از شاخصه‌های نثر ساده در منشآت، یعنی کاربرد زبان عامیانه است که شامل مفردات، تعبیرات، کنایات، مثل‌هاست. افزون‌براین، به اشعار عامیانه نیز به سبب احتوای کلمات و تعابیر عامیانه پرداخته شده است.

زبان عامیانه نوعی انحراف از معیار شمرده می‌شود و هر نوع ویژگی که بیانگر عامیانه‌بودن اثر باشد، زبان را از حالت معیار دور می‌سازد.

زبان معیار یکی از گونه‌های زبانی رایج در جامعه زبانی است که با تغییراتی در صورت و ساخت (تدوین و تثبیت)، نیز نقش و کارکرد آن (گسترش نقش و کارکرد) ایجاد می‌گردد و از سوی اکثر افراد جامعه زبانی به‌عنوان الگوی زبانی معتبر پذیرفته می‌شود و در نوشتارهای رسمی و گفتارهای برنامه‌ریزی شده به کار می‌رود (سارلی، ۱۳۸۷: ۴۳).

نجفی (۱۳۸۷: هفت) برای زبان گفتار به دو دسته زبان محاوره و زبان عامیانه قائل است. وی زبان محاوره را مترادف زبان متداول یا روزمره می‌داند که زبان مردم فرهیخته و نیمه‌فرهیخته است؛ نظیر آنچه در مکالمات شخصیت‌های داستان به کار می‌رود و کاربرد آن بر روابط دوستانه یا هم‌پایه دلالت می‌کند؛ اما زبان عامیانه از نگاه او «نه مفهومی اجتماعی - سیاسی بلکه بر مفهومی اجتماعی - فرهنگی دلالت می‌کند و آن عبارت است از کلمات و ترکیبات زبان محاوره مردم نیمه‌فرهیخته که بی‌قید و بند سخن می‌گویند و الفاظی بر زبان می‌آورند که مردم فرهیخته از ادای آن‌ها خاصه در محافل رسمی به شدت احتراز می‌کنند» (همانجا). به عبارت دیگر، زبان عامیانه «گونه‌ای است که میان قشرهای بی‌سواد و کم‌سواد و دارای مشاغل کم‌اعتبار رواج دارد» (رضایی، ۱۳۸۳: ۲۷).

## ۲. پیشینه تحقیق

افزون بر آثار ملک الشعرا بهار، آرین پور، زرین کوب، کشاورز، اردلانی و شمیسا که در متن حاضر فراوان از آن‌ها بهره برده شده است، می‌توان به مقاله‌ای با عنوان «مقایسه سبکی منشآت قائم مقام و گلستان سعدی» اثر ذوالفقار علامی و فریبا کیانیان (۱۳۸۹) به عنوان پیشینه تحقیق اشاره کرد. در این مقاله نگارندگان افزون بر بیان توضیحاتی درباره نثر منشآت و گلستان و برشمردن ویژگی‌های آن‌ها، به بررسی و مقایسه سبکی این دو اثر از نظر علوم معانی، بیان و بدیع پرداخته‌اند و وجوه اشتراک کلام آن‌ها نیز به صورت کمی در قالب نمودار نشان داده شده است. شایان ذکر است در هیچ کدام از منابع پیشین، زبان عامیانه منشآت به طور همه‌جانبه و در سطح مفردات، عبارات، مثل‌ها و اشعار و از نظر کیفی و کمی تحلیل و بررسی نشده است و این منابع با نگاهی اجمالی و کلی به موضوع حاضر پرداخته‌اند.

## ۳. سبک قائم مقام در منشآت

بی تردید قائم مقام را می‌توان از نقاط عطف در ساده‌نویسی و احیاگر حقیقی نثر فارسی دانست. وی از جمله پیشتازان سبک و اسلوبی بود که نثر فارسی را در جاده معقول و مطبوع ساده‌نویسی انداخته است. هرچند تحول در نثر با ایجاد سادگی و روانی آن، مدت‌ها پیش از قائم مقام از سوی اعتمادالسلطنه در *روزنامه خاطرات* و *رساله مجدالملک* آغاز شده بود (اردلانی، ۱۳۷۹: ۱۰۷)؛ اما قائم مقام با بی‌باکی و تهور به گونه‌ای گسترده به کلمات، اصطلاحات، کنایات، مثل‌ها و اشعار عامیانه جواز ورود به نثر خود را داد. پس از او نیز کسانی چون فرهاد میرزا معتمدالدوله و امیرنظام گروسی از آن شیوه بهره گرفتند و زمینه ساده‌نویسی برای افرادی همچون میرزا حسن خان، ناصرالدین شاه و به‌ویژه علامه دهخدا فراهم شد. البته مقام عالی قائم مقام را نمی‌توان در این اقبال و تحسین عمومی بی‌تأثیر دانست (بهار، ۱۳۸۱: ۳/۳۳۹).

کاربرد زبان عامیانه یکی از خصایص سبکی منشآت قائم‌مقام فراهانی \_\_\_\_\_ بتول مهدوی و همکاران

**منشآت** قائم‌مقام دربردارنده نام‌هایی است که نویسنده درباره موضوعات مختلف نگاشته است. برخی از این نام‌ها دوستانه، خانوادگی و برخی دیگر نام‌هایی‌اند که وی به امرای وقت و امیرزادگان نوشته است. در این کتاب سه شیوه ساده، بینابین و مصنوع دیده می‌شود، اما تکیه بر ساده‌نویسی است. قائم‌مقام به مقدار زیادی از عبارات متکلف و متصنع و مضامین پیچیده کاسته و تا حدی انشای خود را - به‌ویژه در مراسلات خصوصی - به سادگی و گفتار طبیعی نزدیک ساخته است. افزون‌بر عوامل ساده‌نویسی نثر **منشآت**، توجه به زبان عامیانه در این اثر بسیار برجسته است. مبادرت قائم‌مقام به کاربرد عناصر مردمی سبب سادگی بیان و روانی زبان نثر او شده و به نام‌های او پویایی و تحرک بخشیده است. وی با تکیه بر ذوق و فضل خود مسائل روز را با زبان و اصطلاحات رایج دوره‌اش در بافتی هنری و ادبی ارائه کرده است.

از آنجا که یکی از ویژگی‌های کلام فاخر و عالی در گذشته، دوری از کلمات عامیانه بوده است، با پدیدآمدن مکتب‌ها و سبک‌های جدید ادبی ثابت شد که به‌کارگیری عناصر یادشده نه تنها موجب ابتذال آن نیست، بلکه سبب فصاحت و زیبایی آن نیز می‌شود. نویسنده خوش‌ذوق می‌تواند عناصر عامیانه را در فضای متن، خوش بنشانند و به هدف اصلی سبک والا - که تسخیر دل و جان مخاطب است - دست یازد. گزینش الفاظ، تابع هیچ ضابطه و قانونی نیست و بیانگر والایی و برتری کار نیست؛ بلکه تنها ذوق و استعداد نویسنده متبحر است که از میان دستگاه پیچیده و گسترده واژگان زبان، آن را برگزیند که بهتر و مناسب‌تر است (فرشیدورد، ۱۳۶۳: ۱/۱۱۵).

قائم‌مقام با بهره‌گیری متعادل و طبیعی از زبان کوچه و بازار و عناصر زبان عامیانه، اعم از واژگان، تعبیرات، جملات، اشعار و مثل‌های مردمی در عمل به تخطئه سنت‌گرایان محافظه‌کاری پرداخت که تا آن روز این عناصر را ناشایست و ناپسند و فاقد ارزش لازم برای ورود به متون ادبی تلقی می‌کردند و کاربرد آن‌ها را دلیل بر **تُنک‌مایگی** و ابتذال و کاهش فصاحت می‌دانستند. وی با چنین اقدامی بر مایه‌های هنری کار خویش، یعنی صمیمیت و عاطفه بیشتر، افزود. بی‌گمان بخش زیادی از

لطافت و ظرافت منشآت - که به خواننده احساس صمیمیت و خودمانی بودن و به تعبیری «لذت انس می بخشد» - (زرین کوب، ۱۳۶۸: ۹۵۶) مرهون به کارگیری عناصر زبان عامیانه است. در مجموع از مختصات سبکی قائم مقام در منشآت - که نثر او را در عین کاربرد زبان عامیانه، ادبی می کند - می توان به موارد زیر اشاره کرد:

- استفاده از سجع، ترصیع و موازنه در حد متعادل (شمیسا، ۱۳۸۶: ۲۴۱).

- استفاده بجا و متناسب از جملات، اشعار و امثال متداول عامیانه.

- صراحت لهجه و ترک استعاره و کنایه و تشبیه های دور و دراز و خسته کننده (بهار، ۱۳۸۱: ۳ / ۳۵۰).

- طبیعت و ظرافت و لطیفه پردازی، به خصوص در آوردن لغات و مصطلحات تازه.

قائم مقام از زبان عامه به طور طبیعی و در جای مناسب خود، بی هیچ اصرار و ابرامی بهره برده است، بی آنکه این عناصر با ازدحام خود هدف نامه های او قرار گیرد یا کمترین اصطکاک با فضای نامه ها ایجاد کند. وی نه تنها با ورود عناصر زبان عامیانه کلام خود را ساده کرده، بلکه از به کارگیری مفردات شکسته - که خاص زبان گفتار است - نیز ابایی نداشته و با شکسته نویسی به ساده نویسی دامن زده است. گزینش شکسته نویسی به سبب گرایش به کوتاه کردن زنجیره گفتار صورت می گیرد و بر اصل صرفه جویی و تلاش کمتر مبتنی است (سمیعی گیلانی، ۱۳۸۵: ۵۸). همان گونه که از نامه های دوستانه قائم مقام برمی آید، او تمام روز را سخت تلاش می کرد و پایان شب در بستر، نامه های خود را «سرسری و باعجله» (آرین پور، ۱۳۷۲: ۱ / ۶۵) می نوشت (نامه های ۱۳ (۳۴)، ۸۶ (۱۸۹)، ۹۵ (۲۰۹)). بنابراین میل به کم کوشی در چنین حالتی بر او چیره بوده است. با نگاهی اجمالی به فهرست کلمات عامیانه شکسته می توان دریافت که در منشآت به جز دو کلمه: دیگه (۲۲) ۲۰ و همچو (۱۴۶، ۱۸۴) - که عناصر قاموسی هستند - دیگر نمونه های عامیانه شامل عناصر دستوری پربسامد همچون افعال کوتاه شده: بیار (۲۳۳)، بیارم (۱۶۱)، بیاریم (۴۶) ۲۱، نیارم (۱۴۲) هستند و یا «ی» میانجی پیش از ضمایر متصل حذف شده است: پسرهام (۱۸۳)، پسرهایش (۲۰۸).

کاربرد زبان عامیانه یکی از خصایص سبکی منشآت قائم مقام فراهانی \_\_\_\_\_ بتول مهدوی و همکاران

قابل ذکر است در استخراج مصادیق منشآت، سه فرهنگ عامیانه جمالزاده، نجفی و ثروت الگوی کار بوده است. گاه کلمات و ترکیبات و جملاتی - البته به قیاس فرهنگ های مزبور- بررسی شده‌اند که در فرهنگ‌ها به آن اشاره نشده است، نمونه‌هایی همچون: «پرمشتاق»، اسامی مسکرات (مدیره، شمیناس و ...) و «هزار کار و گرفتاری دارند». از جمله آثاری که درباره بررسی لغات، اصطلاحات، تعبیرات، مثل‌های فارسی و موضوعات مورد بحث می‌تواند راهگشا باشد، کتاب کوچی تألیف احمد شاملوست. نویسنده ذیل هر کلمه و تعبیر به توضیح تعبیرات مصدری، امثال و حکم و ترکیبات جمله‌ای و شبه‌جمله‌ای می‌پردازد. اما از آن‌جا که شیوه کلی این کتاب مبتنی بر نظام الفبایی است، نگارندگان به صورت موردی از این کتاب بهره برده‌اند.

#### ۴. عناصر عامیانه در مقولات هفت‌گانه زبان منشآت

برای روشمند کردن نوشتار حاضر، کلمات عامیانه ذیل یکی از مقولات هفت‌گانه زبانی اسم، فعل، ضمیر، صفت، قید، حرف، صوت (شبه‌جمله) بررسی شده‌اند (احمدی گیوی، ۱۳۷۰: ۱۱). همچنین عبارات و جملات - که بیشتر کنایات و مثل‌های عامیانه را شامل می‌شوند- و ابیات عامیانه مورد بحث قرار گرفته‌اند. در کنار هر نمونه، شماره صفحه کتاب برای سهولت کار خوانندگان در میان کمانک قید شده و در پی‌نوشت به صورت موردی به برخی از نمونه‌ها در بافت کلام اشاره شده است.

##### ۴-۱. اسم

قائم‌مقام در نثر خود انواع اسم‌های عامیانه ساده، مشتق و مرکب را به کار برده و با ذکر نام انواع غذاها و نوشیدنی‌ها بر عامیانه‌بودن شماری از نام‌های خود تأکید کرده است: جریزه (۹)<sup>۱</sup>، بوقچه (۲۲)، پاشویه (۱۵)، ضرب گلوله (۲۶۹)، کوفت و کسالت (۲۶۳)<sup>۲</sup>؛ اسم‌های مصدر همچون: لکه‌گی (۶۱)، هرزگی (۱۱۹)، چیزنویسی (۳۸)؛ نام انواع غذاها: چلومسمن، غذای فسوجن، بشقاب کوکو (۱۷۹) (همچنان‌که جمالزاده نام

انواع پارچه را در فرهنگ عامیانه خود ذکر کرده است). از حیث کمی ۱۲/۲۵٪ مقولات هفت‌گانه زبان به اسم اختصاص دارد.

#### ۴-۲. فعل

از نظر ساختمان بیشتر افعال منشآت به صورت مرکب به کار رفته‌اند: حالی کنم (۲۶۲)<sup>۲</sup>، نماز بکنیم (۲۶۰)، جار بکشیم (۲۴۸)، عیبی ندارد (۲۶)، تلافی بکنم (۳۴)، دخلی ندارد (۲۶۶)<sup>۴</sup> و ... . بسامد افعال عامیانه نیز در میان مقولات هفت‌گانه ۹/۲۵٪ را شامل می‌شود.

#### ۴-۳. قید

قیدهای عامیانه در منشآت بسیار کاربرد دارد. قیدهای مقدار «پر» (۲۴۷) و «خیلکی» (۲۴۸)<sup>۵</sup> بیش از دیگر انواع قید تکرار شده است (بهار، ۱۳۸۱: ۳/۳۵۰؛ شمیسا، ۱۳۸۶: ۲۴۱)؛ چنان‌که از دیدگاه بهار لفظ «خیلی» و تصغیر آن «خیلکی»، بسیار لطیف، پرمعنی و شبیه تصغیرهای تاریخ بیهقی است» (همانجا). قیدهای زمان: پارسال پیرارسال (۱۰۳)<sup>۶</sup>، ماه‌به‌ماه (۸۱)، پس‌فردا (۶۵)، پریروز (۹۷)، هی به معنی پیوسته (۲۳۵)، یک‌دمه (۳۴)، و قید مقدار پر به معنی مقدار اندک (۱۸)، یک مشت (۳۶)<sup>۷</sup>، قید کیفیت مفت (۲۰۷) قیدهای زمان: زود زود به کرمان رفته و جلد جلد برگشته (۱۵۹) به صورت تأکید و به زبان عامیانه بیان شده‌اند. بنابر این تحقیق، قیدهای عامیانه ۱۹/۳۱٪ فراوانی را به خود اختصاص داده است.

#### ۴-۴. حرف

در منشآت از انواع حروف مشتق‌ساز مفید تصغیر، هم‌چنین حرف ربط و حرف اضافه عامیانه به تناسب موضوع، بهره برده شده است. حروف «ک» و «ه» به نشانه تصغیر، تحقیر و توهین در منشآت مصداق‌های زیادی دارد: شاهدک (۱۲۰)<sup>۸</sup>، عجوزک (۱۲۰)،



کاربرد زبان عامیانه یکی از خصایص سبکی منشآت قائم مقام فراهانی \_\_\_\_\_ بتول مهدوی و همکاران

شاپورک ذوالاكتاف (۱۴۷)، نوکرک (۱۳)، کاغذه (۲۳۶)، پیرزنه (۲۱۵)<sup>۹</sup>، پسره (۲۳۴)؛ و حرف ربط «تا» به معنی «به محض اینکه» (۱۸) و «از قراری که» در معنی «چنان که» (۳۹)، «پهلوی» (۱۸۲) و «پیش» (۱۸) در معنی حرف اضافه نمونه‌های دیگر است. در میان مقولات هفت‌گانه زبان، حروف عامیانه تنها شامل ۲/۹۹٪ فراوانی است.

#### ۴-۵. ضمیر

به‌کارگیری ضمائر در ساخت الفاظ عامیانه نیز قابل ملاحظه است. گاه ضمیرهای شخصی با «ها» جمع بسته شده است، نظیر: ماها (۱۷۱)<sup>۱۰</sup>، شماها (۱۱۲) که چنین جمع‌هایی در میان قدما در حکم تصغیر صوری یا معنوی بوده است (بهار، ۱۳۸۱: ۳/۳۴۹). «سرکار» نیز از جمله ضمائری است که به جای «شما» به کار رفته است. گاه ضمائر متصل در پی ضمائر مشترک آمده و صورتی عامیانه به آن بخشیده است: خودم (۱۸۱)، خودت (۱۰۳)، خودش (۲۲۶)، خودتان (۲۴۷)، ضمائر مبهم فلان و فلانی به جای شخص (۶۱) و به‌ویژه جمع آن به صورت فلانان (۱۰۵) و یا مبلغ پول (۱۲۶) نیز ساختاری عامیانه دارد. بنابر بررسی‌های انجام‌شده، ضمائر عامیانه ۸/۹٪ فراوانی را در میان مقولات هفت‌گانه زبان به خود اختصاص داده‌اند.

#### ۴-۶. صفت

انواع صفات ساده، مشتق، مرکب و مشتق-مرکب عامیانه در منشآت آمده است که می‌توان به نمونه‌های زیر بسنده کرد: پلشت (۱۹۴)<sup>۱۱</sup>، مزخرف (۱۵۲)، بلد (۱۶)، ولن‌گار (۱۵۹)، آلفته (۱۷۸)، عمّله و آکره (۲۲۶)<sup>۱۲</sup>، خودی و خودمانی (۱۱۵)، خانه‌زاد (۹۹)، پرجواب (۲۴۷)، هیمه‌کش و شترچران (۱۶۳). صفات در منشآت بسامد زیادی دارد و در میان مقولات هفت‌گانه، بسامد صفات عامیانه شامل ۲۰/۶۳٪ است و از حیث کاربرد، نسبت به سایر مقولات زبان، پس از اصوات / شبه‌جمله‌ها در مرتبه دوم قرار دارد.

#### ۴-۷. صوت (شبه جمله)

بیشتر اصوات و شبه جمله‌ها، ماهیتی عامیانه دارند، نظیر: امان از ... (۱۵)، وای از ... (۲۰۱)، آه از ... (۱۸۵)<sup>۱۳</sup> یا ابوالفضل (۲۵۳)، هزار افسوس (۳۷)، بلی (۱۴). قائم مقام گاه از عبارت «خدای نخواست» بهره می‌گیرد که دال بر نگرانی از احتمال وقوع امری در آینده است (۱۹). بسامد اصوات عامیانه **منشآت** ۲۶/۶۳٪ است که نسبت به سایر مقولات هفت‌گانه، پربسامدترین آن‌ها به‌شمار می‌آید.

پیش از آنکه عبارات و جملات کنایی در **منشآت** بررسی شوند، ذکر نمونه‌هایی از جملات عامیانه و اشاره‌ای گذرا به پاره‌ای مظاهر فرهنگ عامه در این اثر خالی از فایده نیست. حقیقت آن است که زبان عامیانه تنها منحصر به لغات و ترکیبات نیست، گاه جمله‌ای بی‌آنکه کلمه یا تعبیری عامیانه در آن وجود داشته باشد، حال و هوای زبان مردم را دارد. در **منشآت** با چنین جملاتی روبه‌رو هستیم که می‌توان به نمونه‌های زیر اشاره کرد: هر کسی می‌رسد می‌رسد (۲۲)، حالا بیایید ببینید (۳۷)، کار امثال او نیست (۹۰)، هم‌نشینی کلمات به این جملات صورتی عامیانه بخشیده است، نه خود کلمات. البته جملات پرسشی عامیانه که از نظر علم معانی مفید امر، نهی، بیان حیرت و ... هستند و استفهام انکاری یا تقریری شمرده می‌شوند، بسیار در این اثر به چشم می‌خورند: اسلام داری؟ مسلمانی کو؟ (۲۲)، راستی یعنی چه؟ درستی کجاست؟ (۷۱)، ما کجا اینجا کجا؟ (۸۷)، به ما و شما چه؟ (۴۰).

#### ۵. به‌کارگیری جملات عاطفی

در **منشآت** دعا و نفرین، سوگند و دشنام و شیوه خطاب‌ها ساختاری عامیانه دارند. موارد یادشده به سبب پیوند ژرفی که با اعتقادات و باورهای عامیانه دارند، به فرهنگ عوام مربوط می‌شوند و در مجال محدود این مقاله نمی‌گنجد، اما به سبب آنکه زبان مصداق‌ها عامیانه است، از ذکر آن ناچاریم:

### ۵-۱. سوگند

بیشتر سوگندهایی که در منشآت به اشکال گوناگون بیان شده‌اند، بن‌مایه‌های عامیانه دارند؛ چنانکه بسامد مبحث اخیر در نثر قائم‌مقام نسبت به سایر اصوات / شبه‌جمله‌ها ۱۲/۲۵٪ است. قائم‌مقام گاه از «به» و «و» قسم بهره برده است، نمونه‌هایی همچون: به سر خودت (۱۸)، به سر عزیز خودت (۱۰۳)، به جدم (۱۰۴)، به مرگ خودت (۶۶) <sup>۱۴</sup>. سوگند با «و» قسم تنها به «والله» اختصاص دارد، نیز جملاتی نظیر: «خدای واحد شاهد است» (۶۶)، خود داند و خدای خود (۳۴، ۱۶۱)، شما و خدا (۲۱۶)، از برای خدا (۱۷۵).

### ۵-۲. دعا

در نثر قائم‌مقام دعا‌های عربی نظیر رحم‌الله (۱۸۹)، روحی فداه (۸۸)، اللهم ارزقنا (۴۰) به فراوانی دیده می‌شود. دعا‌هایی چون: خدا بیامرز (۱۱۶)، خدا عمر و توفیق به بنده و شما بدهد (۱۱۷)، همچنین جملاتی که برای صدقه‌سری به کار می‌رود، ساختاری کاملاً عامیانه دارد، مانند: فدایت شوم (۱۷۶)، قربانت شوم (۲۲۲) <sup>۱۵</sup>، تصدقت شوم (۱۹۸). بسامد دعا‌های عامیانه منشآت ۴۶/۳۵٪ است که نسبت به برخی اصوات شمار بسیاری را به خود اختصاص داده است.

### ۵-۳. نفرین

نفرین یا دعای بد کار زبونان و شکست‌خوردگان است. کسی چون قائم‌مقام که بر مسند صدارت تکیه زده، طبیعی است که با چنین تعبیر عاجزانه‌ای سروکار نداشته باشد. او بر زیردست چیره است و در نفرین به مافوق هم بی‌باکی نشان نمی‌دهد. فقط دو مورد نفرین، آن هم نه در حق شخصی خاص در منشآت وجود دارد. یک مورد آن درباره خودش است: خانه بی‌حافظگی خراب شود (۱۱۶)، و مورد دیگر توبیخ و تنبیه شاه، شخصی به نام امین: مرده شورت ببرد (۶۰). این بررسی نشان می‌دهد که بسامد

این مورد در منشآت نسبت به سایر اصوات، چندان چشمگیر نیست و تنها شامل ۶۶/۰٪ می‌شود.

#### ۴-۵. دشنام

قائم‌مقام هرچند مرد اخلاق و ادب است، اما قدرت و پایگاه سیاسی او از یک سو و ناخشنودی او از اوضاع، شرایط و عملکرد اطرافیان و زیردستان و به اصطلاح «آدم‌ها» از سوی دیگر، سبب می‌شود که گاه آن‌ها را به باد ناسزا بگیرد و گاه از مرز اخلاق و ادب بگذرد. این دشنام‌ها، گاه متعادل و قابل ذکرند، همچون: مرد کله‌خشک (۲۲۸)، دیوانه (۸۷)، ای بی‌دین (۲۳۲)، دزد، هتاک، بی‌باک (۲۰۹)، بی‌وجود نادان (۱۰۳)<sup>۶</sup>، بی‌پیر (۷۱). از ذکر برخی دشنام‌ها نظیر فحش‌های نامه‌های ۹۵ (۲۰۹)، ۱۰۶ (۲۳۱) و ۵۱ (۱۱۳) به دلیل رکاکت بسیار خودداری می‌شود. گفتنی است بسامد این مقوله در کلام قائم‌مقام ۴/۶۳٪ است و نسبت به دیگر اصوات چون دعا و خطاب، کاربرد کمتری دارد.

#### ۵-۵. خطاب

بیشتر خطاب‌های منشآت ساختاری عامیانه دارند. قائم‌مقام با الفاظ: این ضعیف (۴۲)<sup>۷</sup>، این جان‌نثار (۷۸)، بنده (۲۲۹) به خود اشاره می‌کند و مخاطب نامه را با عبارات: جان من (۱۶۱)، شاهزاده‌جان (۲۲۲)، پسر (۱۴۹)<sup>۸</sup>، سرکار (۱۴) مورد خطاب قرار می‌دهد. در میان اصوات عامیانه منشآت، خطاب‌ها با بسامد ۳۶/۰۹٪ بیشترین کاربرد را دارند؛ البته با توجه به اینکه قائم‌مقام بیشتر نامه‌های خود را خطاب به دیگران می‌نوشته است، این امر طبیعی و بدیهی به نظر می‌رسد.

#### ۶. سه مقوله بلاغی در منشآت

وجود کنایات، مثل‌ها و اشعار در میان متون مثنوی صیغه‌ای ادبی بدان می‌بخشد. اگر این سه مقوله عناصر ادبیات عامیانه را داشته باشند، بخشی از فرهنگ عوام (فولکلور)

کاربرد زبان عامیانه یکی از خصایص سبکی منشآت قائم مقام فراهانی \_\_\_\_\_ بتول مهدوی و همکاران

شمرده می‌شوند. در این نوشتار تنها به امثال و کنایات و اشعاری اشاره می‌شود که لغات مستعمل در آن عامیانه یا برساخته ذهن قائم مقام است یا توسط او دستکاری و دگرگون شده و شکل دیگر یافته است.

#### ۱-۶. کنایات

کاربرد کنایات رایج در میان توده مردم یکی از عوامل حلاوت و لطافت منشآت است که از نظر ساختمان برخی از آن‌ها به صورت کلمه و عبارت و برخی دیگر به صورت فعل و جمله بیان شده‌اند، همچون: دماغ در معنی حوصله (۲۳)، ناز و غمزه (۲۵۱)، سگ (۲۳۱)، تخم چشم (۲۸)<sup>۱۹</sup>، یک پارچه آتش (۱۶۹)، هار کرده (۱۱۰)، شتل زدی (اصطلاح قمار) (۲۳۲)، روده‌درازی کنم (۳۷)، دست شمار را می‌بوسد (۲۶۳)، از آنجا رانده و از اینجا مانده (۲۵۷). در میان سه مقوله بلاغی مورد بررسی بر اساس موضوع، کنایات بعد از مثل‌ها با بسامد ۲۵/۷۳٪ در ردیف دوم جای دارند.

#### ۲-۶. مثل‌ها

باید یادآور شد که همه مثل‌ها را نمی‌توان عامیانه فرض کرد. مثل نه به شکل واضح، بلکه به کنایه و ضمنی در کلام بسیاری از محققان آمده است؛ چنانچه مؤلف فرهنگ جامع ضرب‌المثل‌های فارسی به این امر واقف بوده است و در دیباچه اثرش مثل‌ها را از نظر کاربرد به شکل نوشتاری و رسمی نظیر: «در گفتن اثری است که در نگفتن نیست»، و عامیانه و گفتاری چون: «تا پول داری رفیقتم قریون بند کیفتم» از هم متمایز کرده است (دهگان، ۱۳۸۳: چهارده). در دایرةالمعارف فارسی نیز مثل‌ها به قید عوام، نه به شکل مطلق جزو فولکلور برشمرده شده‌اند (مصاحب، ۱۳۵۶: ۱۹۵۱). نیز در کتاب ریشه‌های تاریخی امثال و حکم، ذیل مدخل «پالان ندید» آمده است که این مثل و عبارت در میان عوام‌الناس کمتر رایج و مصطلح است و اهل ادب و تاریخ- که به دقایق و وقایع تاریخی واقف هستند- با این عبارت بیشتر آشنایی دارند (پرتوی آملی، ۱۳۶۵: ۲۴۳).

یکی دیگر از ادله‌هایی که سبب مقبولیت و جاذبه منشآت نزد اهل ادب شده، برخورداری این اثر از مثل‌های فارسی و عربی است، امثالی همچون: کل شیء یرجع الی اصله (۲۳۰)، رضیت من الغنیمه بالایاب (۱۹۲) و ده‌ها مثل عربی دیگر. از دیدگاه ملک‌الشعرا بهار (۱۳۸۱: ۳۴۸/۳) قائم‌مقام در «ارسال‌المثل و آوردن شواهدی از زبان محاوره عصر، نظیر بیهقی و عنصرالمعالی است و دیگر نظیرش را در نویسندگان قبل از خودش نمی‌توان یافت». هم‌چنین قائم‌مقام مصراع‌ها و کلمات قصار مشهوری را که حکم مثل پیدا کرده، زیور کلام خود قرار داده است: از هر چه بگذری سخن دوست خوش‌تر است «سعدی» (۴۰)، پای استدلالیون چوبین بود «مولوی» (۱۶)، درخت مقل نه خرما دهد نه شفتالود «سعدی» (۱۴۷)، تقویم پاری نیاید به کار «سعدی» (۱۵) که نمونه اخیر با دستکاری و تغییر، شکل نثر به خود گرفته است. قائم‌مقام در نامه ۸۲- که خطاب به یکی از منسوبان خود در فراهان نوشته است- مثلی فراهانی ذکر می‌کند: «طمارزود لارزو» (۱۸۱).

هرچند قائم‌مقام از کنایه و مثل‌های دیگران بهره برده، خود نیز سهم بسزایی در خلق و آفرینش این عناصر داشته؛ به‌گونه‌ای که مؤلف *داستان‌نامه بهمنیاری* برای غنای اثرش، آن را یکی از منابع کار خود قرار داده است (بهمنیار، ۱۳۶۱: ل.ز).

اگر اشتهار را چنانکه محققان از فصول ذاتی مثل برشمرده‌اند، ملاک قرار دهیم (همان، کج)، بسیاری از نمونه‌های منشآت به احتمال قریب به‌یقین، جزو ابداعات خود اوست که به‌سبب عدم شهرت در میان عوام جزو کلمات قصار و حکمت‌آمیز به‌شمار آمده‌اند نه مثل.

به گمان نگارندگان دلیل عدم شهرت برخی جملات حکمت‌آمیز منشآت، دشواری یا فنخامت کلمات آن، نزد عوام است، نظیر: به زور و کیاست ملک ریاست می‌توان گرفت نه محض وراثت (۹۹)، اکملیت موجب فضیلت خواهد بود نه اکبریت (۹۹) یا وجود معادل‌هایی است که عوام را از این جملات بی‌نیاز کرده است، نظیر: امتیاز به

کاربرد زبان عامیانه یکی از خصایص سبکی منشآت قائم مقام فراهانی \_\_\_\_\_ بتول مهدوی و همکاران

افزودن اسباب کمال است نه افزونی سن و سال (۹۹) که معادل این سخن کوتاه سعدی است: «نه هر که به قامت مهتر به قیمت بهتر».

در این قسمت به مثل‌ها و حکمت‌هایی اشاره می‌شود که به یقین یا به گمان قریب به یقین از آن قائم مقام است: هر که در کارتر است بر کارتر است، هر که بیکارتر است بیکاره‌تر است (۹)، این مثل در *سبک‌شناسی و داستان‌نامه بهمنیاری* از آن قائم مقام دانسته شده است (بهار، ۱۳۸۱: ۳/ ۳۴۹؛ بهمنیار، ۱۳۶۱: ۵۵۳). در جمله حکیمانه «به اعتقاد من بی‌جامه بودن عیب مرد نیست، و لکن بی‌زیرجامه گشتن عار و درد است» (۱۸۰)، قائم مقام از رأی و عقیده خود می‌گوید، پس می‌توان این جمله را از او دانست.

مثل‌ها نمایان‌گر تجربه‌های اخلاقی و الگوی رفتاری قوم ایرانی و واکنش‌های عادی و طبیعی عامه در مقابل رویدادها و معرف واقعی احوال روحی و فکری آنان است (زرین‌کوب، ۱۳۶۸: ۷۳۷ - ۷۳۸). برخی مثل‌های منشآت را می‌توان به گمان نزدیک‌به‌یقین، حاصل تجربیات شخصی قائم مقام و از آن خود او دانست؛ هرچند در این موضع نمی‌توان حکم قطعی صادر کرد. نمونه‌های زیر را می‌توان از این دست به‌شمار آورد: نوکر هرچه امین باشد، از آقای نوکر امین‌تر نیست (۴۷)؛ خدا را شکر که اگر پیش‌بین هستم، خویش‌بین نیستم (۲۶۱)؛ روزگار جامه‌نگر است نه مردم‌شناس (۱۸۰)؛ هر که به چنان نعمت رسد کی یاد چنین زحمت کند؟ (۱۰۹). دو حکمت اخیر حدیث نفس قائم مقام است و گلایه‌ای است از نادیده‌نگاشتن و قدرناشناسی زحمات او در درگاه پادشاهان.

مثل‌های دیگری نیز وجود دارد که احتمالاً رایج عصر او بوده‌اند، هر چند گمان انتساب شماری از آن‌ها به قائم مقام وجود دارد: هیچ چیز بی‌جا و بی‌هنگام خوب نیست، مگر عشق (۱۱۸)؛ حرفت ادب نه امروزی است (۶۴)؛ دیگ میان دوری جوش نمی‌آید، میخ دو سر فرو نمی‌رود (۷۴). در *سبک‌شناسی* نیز مثل «من این طور آدم طمع‌کار تیشه رو به خود تراش نیستم» (۱۵۸) شاهدهی از زبان محاوره عصر قائم مقام ذکر شده است (بهار، ۱۳۸۱: ۳/ ۳۴۸). در نامه ۱۵- که مخاطب آن ذکر نشده- بندی موزون و آهنگین

ایراد شده است که رنگ و بوی مثل دارد و مهارت قائم‌مقام را در خلق کلام حکمت‌آمیز و مسجع به نمایش می‌گذارد: هر انسانی را لسانی و هر میدانی را پهلوانی و ... آذربایجان بی‌صحرای مغان نیست و سمنان بی‌دامغان نمی‌شود (۳۸). بنابر این تحقیق در بخش مقولات بلاغی، بسامد مثل‌ها، جملات عامیانه حکمت‌آمیز و قصار **منشآت** ۶۶/۹۱٪ است.

### ۳-۶. شعر عامیانه

استشهاد به اشعار فارسی و عربی در **منشآت**، بر شورانگیزی و ادبی‌بودن آن افزوده است. قائم‌مقام گاه به قدری زیبا، خوش‌ادا و با حسن انتخاب از استشهادات شعری مدد می‌جوید که گویی شاعر آن شعر را فقط برای این مورد گفته است. از دیدگاه بهار (۱۳۸۱: ۳/ ۳۴۶) «قائم‌مقام در تحلیل و تدریج مصراع‌ها و ابیات و به اصطلاح بعضی در اقتباسات بر تمام متقدمین می‌چربد». آنچه به این نوشتار مربوط می‌شود، اشعار عامیانه‌ای است که قائم‌مقام به مناسبت، یا خود سروده یا از شاعران دیگر تضمین و استشهاد کرده است؛ هرچند جایگاه اشعار عامیانه همچون مثل‌ها در محدوده فرهنگ عامیانه قابل بررسی است. این اشعار حاوی مفردات، کنایات و تعبیرات عامیانه هستند، لذا به چند نمونه از ابیات عامیانه - که به یقین از قائم‌مقام است - اشاره می‌کنیم:

در نامه دوستانه ۸۶ بیتی عامیانه ذکر شده است که همگی ارکان آن جزو زبان عامیانه هستند:

رحم الله الجلائر:

شب مهتاب کاغذها نویسد      کند هر جا غلط فی‌النور لیسد

(۱۸۹)

در نامه ۹۳ ذکر انواع خورش‌ها و شیرینی‌های مازندرانی، مربا و پلو به آن فضایی کاملاً عامیانه بخشیده است:

به قول جلائر:



کاربرد زبان عامیانه یکی از خصایص سبکی منشآت قائم‌مقام فراهانی \_\_\_\_\_ بتول مهدوی و همکاران

خورش‌های ترش مازندرانی      کباب و قلیه و ساک و بورانی  
قطاب و قرص و نقل و آب دندان      نزاکت‌های نغز باب دندان  
مرباهای بالنگ و به و سیب      گرفته از گلاب و قند ترکیب  
پلوه‌های بروجرد و نهانند      یخ و مشک و گلاب شربت قند  
(۲۰۳)

در نامه ۲۳ قائم‌مقام خطاب به آقاعلی رشتی دوبیتی سروده که حال و هوای کاملاً عامیانه دارد:

رشتی علی این رفتن رشت تو ز چیست؟      این وجد و نشاط و سیرگشت تو ز چیست؟  
(۵۶)

نامه ۱۱۲ که خطاب به پسرش محمد نوشته است، به سبب کاربرد انواع نوشیدنی و عبارت: «ای جان من، بایست کم خورد» و همچنین ساختار بیت دوم که مضمونی مثلی دارد: «شراب مدیره در قزوین چون زیره در کرمان فراوان است» صورتی عامیانه دارد:

نباید ترک شادی کرد و غم خورد      نه چای و قهوه را بایست کم خورد  
بده ای جان من جام مدیره      که در قزوین چو کرمان است زیره  
(۲۴۵)

در نامه ۱۵ بیتی در وصف قاطر از شاعری گمنام آمده است:

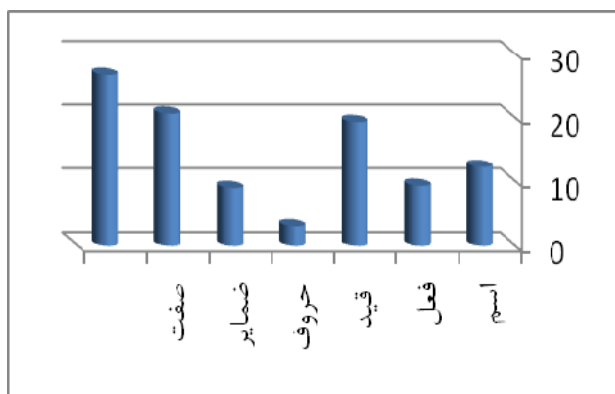
قاطر مهدی روان است ای خدا      پشت سمنان دامغان است ای خدا  
(۳۸)

بنابر بررسی‌های انجام‌شده، از نظر کمی ۷/۳۵٪ مقولات بلاغی کتاب به اشعار عامیانه اختصاص دارد.

جدول ۱- میزان به کارگیری عناصر عامیانه در مقولات هفت گانه زبان

درصد	تعداد	
۱۲.۲۵	۱۳۹	اسم
۹.۲۵	۱۰۵	فعل
۱۹.۳۱	۲۱۹	قید
۲.۹۹	۳۴	حروف
۸.۹	۱۰۱	ضمایر
۲۰.۶۳	۲۳۴	صفت
۲۶.۶۳	۳۰۲	شبه جمله / صوت
	۱۱۳۴	جمع

نمودار ۱- میزان به کارگیری عناصر عامیانه در مقولات هفت گانه زبان

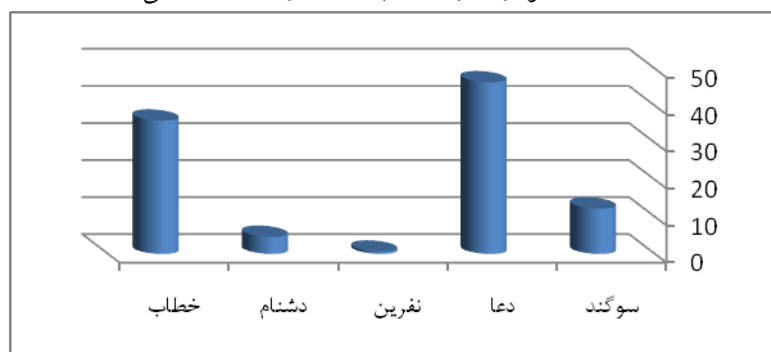


کاربرد زبان عامیانه یکی از خصایص سبکی منشآت قائم مقام فراهانی ..... بتول مهدوی و همکاران

جدول ۲- بسامد شبه جمله‌ها و جملات عاطفی

درصد	تعداد	
۱۲.۲۵	۳۷	سوگند
۴۶.۳۵	۱۴۰	دعا
۰.۶۶	۲	نفرین
۴.۶۳	۱۴	دشنام
۳۶.۰۹	۱۰۹	خطاب
	۳۰۲	جمع

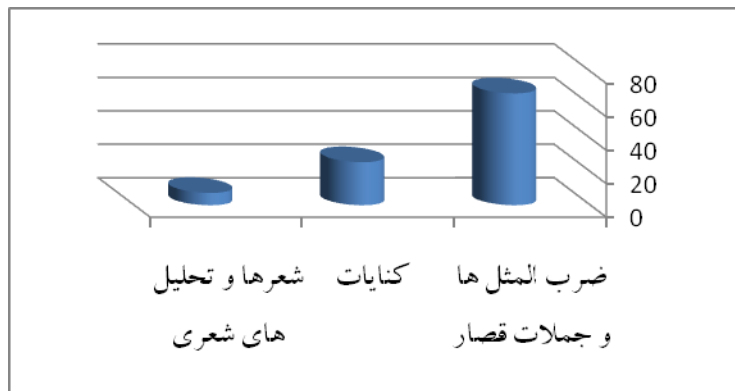
نمودار ۲- بسامد شبه جمله‌ها و جملات عاطفی



جدول ۳- مقایسه سه مقوله بلاغی منشآت

درصد	تعداد	
۶۶.۹۱	۹۱	ضرب‌المثل‌ها، جملات حکمت‌آمیز و قصار
۲۵.۷۳	۳۵	کنایات
۷.۳۵	۱۰	شعرها و تحلیل‌های شعری
	۱۳۶	جمع

نمودار ۳- مقایسه سه مقوله بلاغی منشآت



### نتیجه گیری

میزان بهره‌گیری منشآت قائم‌مقام از زبان عامه به موضوع و مخاطب نامه و هم‌چنین احوال وی بستگی کامل دارد. قائم‌مقام با استعداد شگرف و شمّ ساحرانۀ خود و با اشرافی که بر علوم بلاغی از جمله علم معانی داشته و به‌موجب سخن «هر سخن جایی و هر نکته مقامی دارد» به‌خوبی دریافته بود که نامه‌های جدی و رسمی در پذیرش واژه‌های عامیانه و متداول کوچه و بازار یا مثل‌ها و اشعار عامیانه بسیار مقاومت نشان می‌دهند و استعمال این عناصر در چنین نامه‌هایی به‌دشواری صورت می‌گیرد یا محال است؛ اما در مقابل، نامه‌های دوستانه فضایی خودمانی و عاطفی و صمیمی می‌طلبد و عناصر عامیانه نیز این اهداف را تقویت می‌کند و البته پس از گذشتن از صافی ذوق نویسنده اجازه ورود می‌یابند.

در نامه‌های رسمی‌ای که درباره انتصاب یا تفویض حکومت منطقه‌ای به شخص خاصی است، یا در خصوص موجب افراد، یا از زبان ولیعهد یا خاقان، فتحعلی‌شاه، به افراد خاص یا پادشاهان اطراف نوشته می‌شود، کلمات رسمی و به‌تبع، فضای نامه کاملاً جدی، مؤدبانه و موقرانه است. در چنین نامه‌هایی عناصر زبان عامیانه یا وجود ندارد، یا

کاربرد زبان عامیانه یکی از خصایص سبکی منشآت قائم‌مقام فراهانی \_\_\_\_\_ بتول مهدوی و همکاران

شمار آن به عدد انگشتان یک دست هم نمی‌رسد و آن موارد نادر هم در سطح کلماتی چون نوکر (۶۲) و فلان (۶۰) است نه مثل‌ها، اشعار و کنایات عامیانه.

قائم‌مقام نامه‌های شخصی و دوستانه خود را برای ابراز محبت، سفارش، گلایه و شکایت و ... کتابت می‌کرد. این دسته از نامه‌های قائم‌مقام - برخلاف نامه‌های رسمی که با حوصله و شکیبایی آن‌ها را می‌نوشته است - هنگام چیرگی خستگی و خواب و با «عجله و سرسری» رقم می‌خورد؛ چنانچه قائم‌مقام در نامه‌های ۵۱، ۸۶، ۱۳ به بی‌خوابی و بی‌تابی خود اشاره می‌کند. در چنین نامه‌هایی شوخی می‌کند و حتی گاه از به‌کارگیری کلمات رکیک و دور از عفاف نیز نمی‌پرهیزد. البته همین نامه‌ها نیز از چاشنی ذوق خالی نیست و در مجموع قائم‌مقام با به‌کارگیری عناصر زبان عامیانه، چه در سطح مقولات هفت‌گانه زبان، همچون اسم، فعل و ... ، چه با به‌کارگیری سوگند، خطاب و دیگر شبه جمله‌ها و هم‌چنین استفاده از کنایات، مثل‌ها و اشعار عامیانه نثری ساده، شیوا و روان خلق می‌کند که تا حد زیادی یادآور نثر زیبا، آهنگین و پرمحتوای سعدی است. بنابر بررسی‌های انجام‌شده در میان مقولات هفت‌گانه زبان بیشترین کاربرد با بسامد ۲۶/۶۳٪ به شبه‌جمله‌ها و کمترین موارد به مقولۀ حروف با ۲/۹۹٪ اختصاص می‌یابد. از میان شبه‌جمله‌ها نیز خطاب‌ها با بسامد ۳۶/۰۹٪ بیشترین کاربرد و نفرین با ۰/۶۶٪ کمترین کاربرد را دارد. افزون‌براین، با مقایسه سه مقولۀ بلاغی مثل، شعر و کنایه به این نتیجه می‌رسیم که در منشآت مثل‌ها با بسامد ۶۶/۹۱٪ بیشترین کاربرد، و اشعار و تحلیل‌های شعری تنها با ۷/۳۵٪ کمترین سهم را دارند.

### پی‌نوشت‌ها

۱. جناب اقدس الهی جریزه و کیاستی در خلق این‌جا آفریده که از تانی و آرام و تعلم و تعلیم آن‌ها هزار بار بهتر و با نفع‌تر است. (قائم‌مقام فراهانی، ۱۳۶۶: ۹). جریزه: قابلیت و توانایی، دهخدا آن را معرب‌گریزی فارسی دانسته، اما آن کلمه بیشتر به معنی مکار و حيله‌گر است؛ یعنی مفاهیمی که

- در جریزه راه ندارد. جریزه عرضه و لیاقت و جرئت و توانایی است که از کاردانی و جسارت شخص مایه می‌گیرد (شاملو، ۱۳۷۷: ۱۱/۱۴۷).
۲. کاش فردا شما فرصت داشتید و مرا از کوفت و کسالت دیشب و امروز بر می‌آوردید (قائم مقام فراهانی، ۱۳۶۶: ۲۶۳).
۳. چون خود غایبم باید بالمکاتبه حل و به دلیل و برهان حالی کنم (همان، ۲۶۲).
۴. به جان عزیز شما که این بار دوری حضور شما دخلی به هربار ندارد (همان، ۲۶۶).
۵. درست همین است که حاجی آقا را خیلکی به لطف و مرحمت خود امیدوار سازید و این خدمت را به او رجوع کنید (همان، ۲۴۸).
۶. به سر عزیز خودت که پارسال پیرارسال چند نفر از اهل شهر مشهد، بل از جوار صحن مقدس درده فروخته بودند (همان، ۱۰۳).
۷. الحمدلله یک مشت آبرویی که بود برخلاف معتقد عالمی الی حال ریخته نشده (همان، ۳۶).
۸. اقرار خودم در رقعۀ آن شبی هم شاهدک خوبی است (همان، ۱۲۰).
۹. شما راضی شوید دست از این پیره‌زنه بردارم (همان، ۲۱۵).
۱۰. ساحت احوال ماها همه نمونه شبستان بود (همان، ۱۷۱).
۱۱. همچون زشتان شهر و پلستان دهر که مهموس و مجدر باشند (همان، ۱۹۴).
۱۲. خرج گزاف عمله و اکره شاهزادگان لزوم ندارد (همان، ۲۲۶). اکره: در لغت akara جمع آکاره که کلمه عربی به معنی برزیگر و دهقان بی‌زمینی که به مزدوری رود. در تداول عامه به دنبال عمله می‌آید و بدان نوکران را افاده می‌کنند: «با احساسی از تحقیر و عوام‌الناس و مردم بی‌سر و پای بی‌ارزش را» (شاملو، ۱۳۷۷: ۶/۲۷۶۰).
۱۳. آه از مهرک سلیم و لحن و نوای این تصنیف (قائم مقام فراهانی، ۱۳۶۶: ۱۸۵).
۱۴. به مرگ خودت که فرصتی ندارم که شرح دلی نگارم (همان، ۶۶).
۱۵. شازده جان قربانت شوم (همان، ۲۲۲).
۱۶. اگر یک نفر پیاده و سواره تردد بکند آسیب به جان و مال کسی رسیده باشد از این بی‌وجود نادان بخواهید (همان، ۱۰۳).
۱۷. عرض جزئیات و وقوع او را در مواقع معاتبات به رد کتاب از این ضعیف محمول داشته‌اند (همان، ۴۲).
۱۸. پسر، نور بصرم، من از تو غافل نیستم (همان، ۱۴۹).
۱۹. مگر من نه آن بودم که بر مرغ جان و تخم چشم خود رشک‌ها داشتم (همان، ۲۸).

کاربرد زبان عامیانه یکی از خصایص سبکی منشآت قائم‌مقام فراهانی \_\_\_\_\_ بتول مهدوی و همکاران

## منابع

- آراین‌پور، یحیی (۱۳۷۲). *از صبا تا نیما*. ج ۱. تهران: زوار.
- احمدی گیوی، حسن و حسن انوری (۱۳۷۰). *دستور زبان فارسی (۱)*. تهران: فاطمی.
- اردلانی، جلال (۱۳۷۹). *ادوار نثر فارسی دوره مشروطه*. سندج: ژیار.
- براون، ادوارد (۱۳۷۵). *تاریخ ادبیات ایران*. ج ۴. تهران: مروارید.
- بهار، محمدتقی (۱۳۸۱). *سبک‌شناسی*. ج ۳. تهران: امیرکبیر.
- بهمنیار، احمد (۱۳۶۱). *داستان‌نامه بهمنیاری*. تهران: دانشگاه تهران.
- پرتوی آملی، مهدی (۱۳۶۵). *ریشه‌های تاریخی امثال و حکم*. تهران: سنایی.
- ثروت، منصور و رضا انزابی‌نژاد (۱۳۷۷). *فرهنگ لغات عامیانه و معاصر*. تهران: سخن. ج اول.
- جمال‌زاده، محمدعلی (۱۳۸۲). *فرهنگ لغات عامیانه*. تهران: سخن.
- دهگان، بهمن (۱۳۸۳). *فرهنگ جامع ضرب‌المثل‌های فارسی*. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- رضایی، والی (۱۳۸۳). «زبان معیار چیست و چه ویژگی‌هایی دارد؟». *فرهنگستان*. س ۶. ش ۳. صص ۲۰-۳۵.
- زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۶۸). *نقش برآب*. تهران: معین.
- سارلی، ناصرقلی (۱۳۸۷). *زبان فارسی معیار*. تهران: هرمس.
- سمیعی گیلانی، احمد (۱۳۸۵). *نگارش و ویرایش*. تهران: سمت.
- شاملو، احمد (۱۳۷۷). *کتاب کوچه*. تهران: مازیار.
- شکورزاده، ابراهیم (۱۳۷۲). *ده هزار مثل فارسی*. مشهد: آستان قدس رضوی.
- شمیسا، سیروس (۱۳۸۶). *سبک‌شناسی نثر*. تهران: معین.
- علامی ذوالفقار و فریبا کیانیان (۱۳۸۹). «مقایسه سبکی منشآت قائم‌مقام و گلستان سعدی». *فنون ادبی*. س ۲. ش ۱. صص ۸۹-۱۱۰.
- فرشیدورد، خسرو (۱۳۶۳). *درباره ادبیات نقد ادبی*. تهران: امیرکبیر.

- قائم مقام فراهانی، میرزا ابوالقاسم (۱۳۶۶). *منشآت*. به تصحیح سید بدرالدین یغمایی. گیلان: شرق.
- کامشاد، حسن (۱۳۸۴). *پایه گذاران نشر جدید فارسی*. تهران: نشر نی.
- کشاورز، کریم (۱۳۸۴). *هزار سال نشر پارسی*. ج ۳. تهران: علمی و فرهنگی.
- مصاحب، غلامحسین (۱۳۵۶). *دایرة المعارف فارسی*. تهران: فرانکلین.
- نجفی، ابوالحسن (۱۳۸۷). *فرهنگ فارسی عامیانه*. تهران: نیلوفر.
- واثق عباسی، عبدالله و محمدمیر مشهدی (۱۳۸۸). «بازتاب شعر سعدی در نامه‌های قائم مقام فراهانی». *ادب فارسی*. ش ۱. صص ۱۹۳-۲۱۴.